

## یادداشت‌های امیر خیزی



### اسماعیل امیر خیزی

مرحوم پدرم مشغول کسب شدم و در اواخر ۱۳۲۳ یا اوایل ۱۳۲۴ با مشروطه خواهان ارتباط یافتم . اینان جماعتی بودند که در زیر پرده تحریم امتعه خارجی با تهرانیانی که از شاه عدالتخانه میخواستند همکاری میکردند .

#### صدور فرمان مشروطیت

در تاریخ چهاردهم جمادی الاخری ۱۳۲۴ فرمان اعطای مجلس از طرف مرحوم مظفرالدین شاه صادر شد ولی محمدعلی میرزا ولیعهد را با مشروطه و مجلس آشنائی نبود و کسی هم از بیم وی نمی توانست کلمه مشروطه بزبان بیاورد .

#### تحصن در کنسولگری انگلیس

چون پیشقدمان ملت دیدند که باز

نگارنده این سطور محمد اسمعیل بن محمد تقی تبریزی معروف بامیر خیزی در دهه اول ذیحجه ۱۲۹۴ در محله امیرخیز متولد شده در هفت سالگی در مکانب آن زمان که اغلب در مساجد تشکیل میشد بتحصیل پرداختم و در چهارده سالگی مکتب را بدرود گفته راه کسب پیش گرفتم و در سال ۱۳۲۱ بزیرارت مکه معظمه مشرف شدم در مراجعت چند روزیکه در استانبول اقامت داشتم روزی در حجره یکی از تجار تبریز از شخصی موسوم به «مریکا» که هنوزم زنده است در تهران اقامت دارد سخنانی راجع به مشروطه و مقننه و جمهوری شنیدم که تا آنروز بگوشتم نخورده بود و چون به تبریز بازگشتم باز در حجره

همان اصول استبداد در کاراست پس از تبادل افکار روز ۲۹ رجب سران قوم در کونسولخانه انگلیس تحصن اختیار کردند و حضرات علما هم در مسجد صمصام خان که در نزدیکی کونسولگری بود اجتماع نمودند و هر روز بر عده جمعیت افزوده میشد تا آنکه در هشتم شعبان مجدداً تلگرافی از شاه راجع به مشروطیت صادر شد ولیعهد دیگر نمی توانست مخالفت ورزد و لذا خودش تلگراف شاهرآ بکونسولگری فرستاد و مردم رابه جشن و چراغان تهییج و تشویق کرد .

### رحلت مظفر الدین شاه

مرض مظفرالدین شاه روز بروز بر شدت خود می افزود لذا در تاریخ ۱۳ شوال ۱۳۲۴ ولیعهد بطهران احضار شد و در روز ۱۷ شوال ولیعهد عازم تهران شد و در ۴ ذیحجه بطهران وارد گردید و مظفرالدین شاه شب ۲۴ ذیحجه چشم از جهان بر بست و محمد علیشاه وارث تاج و تخت ایران گشت.



**مظفر الدین شاه**  
**سفری بمراغه**

چون در هر شهری از بلاد بایستی

انجمنی دایر گردد و مردم هم بطور صحیح نمیتوانستند به انتخاب اعضای انجمن موفق شوند لذا اختلافاتی درموقع انتخاب اعضا روی میداد و گاهی هم منتهی بچنگ و جدال در بین اهالی می شد از آن جمله در مراغه نیز اختلافی روی داده بود که مرحوم شیخ اسمعیل هشترودی از طرف انجمن تبریز برای رسیدگی بکیفیت امر مراغه اعزام شد و بنده نیز در خدمت ایشان بودم در ماه ذیحجه عازم مراغه شدیم و این مسافرت دو ماه طول کشید تا اینکه انجمن مراغه و بناب دایر گردید و ما هم به تبریز مراجعت کردیم .

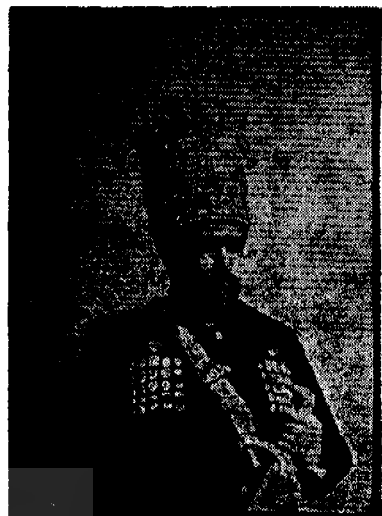
**اختلاف شدید در میان مردم اردبیل**  
در اردبیل از چند قرن پیش دسته بندی

حیدری و نعمتی حکم فرما بود درموقع انتخاب اعضای انجمن اردبیل شدت پیدا کرده مایه قتل و غارت گردید چنانکه برخی از ایلات و عشایر نیز بنام طرفداری حیدری یا نعمتی بشهر وارد شده آنچه توانستند از قتل و غارت دریغ نکردند و هر روز تلگرافهای اغراق آمیز بانجمن تبریز میرسید بالاخره انجمن صلاح در این دید که هیئتی برای اصلاح ذات البین به اردبیل اعزام دارد لذا در روز بیست و پنجم جمادی الاولی ۱۳۲۵ اعضای انجمن پس از تبادل افکار اشخاص ذیل را انتخاب کردند :  
شیخ اسمعیل هشترودی - حاجی سید محمد شریف العلما - حاجی سطوة السلطنه معتمد همایون - اسماعیل امیر خیزی .

گویا در دوم جمادی الثانیه بود که از تبریز حرکت کرده و در روز بعد وارد اردبیل شده در تلگرافخانه منزل کردیم . بالاخره پس از آشتی دادن رؤسای حیدری و نعمتی و الغاء انجمن سابق بان انتخاب اعضای جدید پرداختیم ولی از اموال غارت شده چیز مهمی بدست نیامد و در اواخر دهه دوم شعبان به

### عضویت بنده در انجمن ایالتی

نگارنده در تاریخ دوم شهریور ۱۳۲۶ بمضویت انجمن ایالتی بمنوان وکیل اردبیل پذیرفته شده بانجام وظایف خود



محمد علیشاه

مشفول شدم . این روزها محمدعلیشاه سخت عصبانی بود برای اینکه هنوز شخصی که در روز جمعه ۲۵ محرم باتومبیلوی بمبب انداخته بود دستگیر نشده بود لذا با مجلس و مجلسیان نرد می باخت

### رفتن شاه به باغ شاه

در تاریخ چهارم جمادی الاولی محمدعلیشاه با وضع وحشت آوری از قصر سلطنتی بیرون آمده بیباغ شاه رفت و آشکارا بمضدیت مجلس میان بر بست .

### توپ بستن بمجلس شورای ملی

در تاریخ ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ بر حسب فرمان محمدعلیشاه لیاخوف باتوپ های شنیدر مجلس را بمباران و ویران کرد و برخی از مجلسیان را که از آن جمله بود مرحومان سید محمد طباطبائی و سید عبدالله بهبهانی دستگیر و تبعید شدند و حاجی میرزا

### ساختمان مجلس شورای ملی

ابراهیم وکیل آذربایجان بزخم گلوله از پای در آمد مرحومان ملك المتكلمین و میرزا جهانگیر خان مدیر مجله صور اسرافیل اعدام شدند و مظالمی که در آن روزها نسبت به آزادپخواهان روی داد از کثرت وضوح محتاج به تذکار نیست .

### آغاز و خاتمه جنگ در تبریز

وقتی که این خیر وحشت انگیز به تبریز رسید از شب ۲۴ جمادی الاول در تبریز جنگ مشروطه و استبداد آغاز شد و در روز دوشنبه ۲۸ ربیع الاول با کشته شدن مرحوم باسکرویل خاتمه یافت . باید دانست که خاتمه جنگ بواسطه کشته شدن باسکرویل نبود مشارالیه در موقع سرزدن آفتاب کشته شده بود و جنگ مداومت داشت تا آنکه بعد از ظهر کنسولهای روس و انگلیس بانجمن آمده اظهار داشتند که تلگرافی از سفیر روس و انگلیس رسیده که با شاه ملاقات کرده اند و شاه قول داده است که امر تلگرافی به رؤسای اردو صادر کنند که تا شش روز راه آذوقه را بشهر باز گذارند لذا انجمن هم به ستارخان اطلاع داد که دست از جنگ بردارد .  
متأسفانه شاه بوعده خود وفا نکرد و بهانه بدست روسها افتاد .

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی